

نمای از قلعه‌ی مریوان

## نالہ مریوان

نوشتہ: گمنام مریوانی

سویڈ ۲۰۲۱

گردآوری: فاروق فرہاد

## مقدمه:

در شماره ۷۳ روزنامه‌ی کوهستان نامه‌ای با عنوان "ناله مریوان" درج شده است. نویسنده نامه آنگونه که پیداست به خاطر مسائل و حقایقی که در این نامه وجود دارد با نام مستعار "گمنام مریوانی" خود را معرفی کرده و برای روزنامه‌ی کوهستان ارسال نموده و روزنامه نیز در تاریخ ۱۸ آذر ۱۳۲۵ آن را چاپ کرده است.

نویسنده از بیدادگری و ظلم و ستم فرماندهان ارتش، پناه به آقای دکتر اردلان و روزنامه کوهستان می برد که شاید از این طریق بتواند فریاد مظلومیت مردم مریوان را به گوش کسانی که در حاکمیت شاید وجدانی داشته باشند برساند تا به فریاد و ناله‌ی مردم رنج دیده مریوان گوش داده و مشکلات مردم را حل و کمکی بنمایند.

بر اساس تحقیقات و اطلاعات کنونی و بررسی های متداول و مرسوم نویسنده این نامه آقای "رشید مصطفی سلطانی" می باشد. که با نام مستعار "گمنام مریوانی" آن را برای روزنامه کوهستان ارسال نموده است.



محمد رشید مصطفی سلطانی

قابل توجه ستاد ارتش و فرماندهی محترم لشکر کردستان

## ناله مریوان

آقای مدیر محترم روزنامه کوهستان

در یک ماه و نیم قبل که جنابعالی در ضمن مسافرت خودتان چند روز به مریوان تشریف فرما شدید عده‌ای از محترمین مریوانی خدمت جنابعالی رسیدند و بیچارگیهای خود را برای جنابعالی بیان کردند خودتان هم در مدت چند روزی که در این قسمت گردش و مطالعه فرمودید و تا حدی به بیچارگی مردم این بخش استحضار حاصل فرمودید.

پس از مراجعت در اولین شماره‌ای که روزنامه کوهستان مجدداً منتشر شد به ما نوید دادید که شعبه نمایندگی آن جریده شریفه در مریوان افتتاح شده و ما می‌توانیم بیچارگی‌های خود را بوسیله آن جریده شریفه بسمع اولیای محترم دولت برسانیم.

شما خودتان در چند روزی که در مریوان تشریف داشتید ناظر اوضاع ما بودید و بطور حتم خوب متوجه شدید که چه فشارهایی برای ما می‌آورند. و چطور ما نمی‌توانیم

فریاد خود را آشکارا به گوش اولیای محترم دولت برسانیم.

ممکن است، شرح بیچارگی های خود را برای شما بنویسیم ولی از آن ساعتی که یکی از دردهای ما در روزنامه کوهستان منعکس شود در به در عقب ما می گردند و اگر گزارش دهنده را پیدا نکنند قطعا چند نفر بیچاره دیگر که مورد بغض مقامات مخصوص هستند کلاهی برایشان درست می کنند و بیچارها را بیچاره تر می کنند.

شما خودتان که در قلعه مریوان بودید مگر نمی دانستید که روزی چقدر بیگاری از مردم بیچاره برای ساختمان و برای آوردن تیر و برای هزار کار دیگر می گیرند. شما آن روزی که وارد شدید در حدود هشتاد نفر بیگاری همان روز مشغول کار بود و همینکه فهمیدند فرمانده لشکر و شما میآید آقای سرهنگ عظیمی خودش چوبی برداشته مثل گله گوسفند آنها را از قلعه مریوان خارج کرد تا مبادا فرمانده لشکر ببیند و بپرسد اینها چه کار می کنند.

آقای دکتر اردلان این بیگاریها را ما می دانیم بر طبق دستور دولت از ما نمی گیرند ما میدانیم که دولت برای هر کاری پول خرج می کند ولی وقتی آقای سرهنگ عظیمی بیگاری بگیرد و فرمانده لشکر هم نداند لابد پول آن به

حساب دولت میآید و متصدی های بیگاری کشی پولها را می خورند .

مریوان همیشه بیچاره، پول خوری بوده برای خوردن پول بوده است که ما به این روز سیاه نشسته ایم. دهات ما خالی السکنه است از زیادی ظلم است.

نام این منطقه را بدنام کرده اند. می گویند منطقه عشایری و سرحدی است و به همین اسم پدر مردم را در می آورند. یک عده مخصوصی را از زیر درس می دهند که گردن کلفتی کنند و مال مردم را بخورند و معنا با آنها شریک هستند .

آقای دکتر اردلان بنده اینها را برای اطلاع شما نمی نویسم زیرا خود جنابعالی ازین بیشتر از این کارها اطلاع دارید ولی نمیدانم چرا تا بحال سکوت اختیار فرموده اید .

چند روز پیش کامیون کرایه شماره ی ۷- ک ۲۲ تجارتي را که راننده آن " عزت " نام دارد و به " عزت " ترکه معروف است به زور گرفتند و به آبادی " ریزه ان " بردند. در آنجا دو سه خانه بود که خالی السکنه بود آنها را ویران کردند و درب و پنجره های آن را برای پادگان آوردند خرابی این خانه ها به وسیله رعایای " گویزه کویره " و " حسن اوله " انجام گرفت .

آقای دکتر اردلان ما اهالی مریوان اینقدر بدبخت هستیم که میدانیم هیچیک از اولیای محترم ارتش و حتی فرمانده لشکر کردستان از این قضایا اطلاع ندارند و الاچگونه ممکن است حاضر شوند خانه رعیتی دهات مردم را خراب کنند و درو پنجره آن را برای پادگان ببرند.

آقای دکتر اردلان شما سرهنگ عظیمی را دیده‌اید این آدم که وقتی رئیس بالاتری بالای سرش نیست خود را خداوند مریوان میداند. همینکه فرمانده می‌آید چنان میدود و بلی قربان می‌گوید و اظهار دلسوزی دروغی برای مردم میکند که اگر انسان دقت کند می‌گوید این سرهنگ عظیمی عجب آدم خوبی است و خداوند برای این منطقه پدیری از این مهربان تر نیافریده ولی همان دقیقه که فرمانده لشکر می‌رود سرهنگ عظیمی به جلد اصلی خود در می‌آید و آن عفریتی می‌شود که مایه بدبختی همه ماهاست.

فرمانده لشکر وقتی برای سرکشی می‌آید مخاطب او سرهنگ عظیمی است و او چیزهائی را که خودش صلاح بداند می‌گوید ما که از گفته‌های او خبر نداریم و نمیدانیم چه گزارشهائی میدهد ولی این را میدانم که خودش را در نظر فرمانده لشکر خیلی خوب جلوه داده و با آن تملق‌های خودش همه چیزهای بدو اعمال خود را پوشانیده است.

آقای دکتر اردلان بنده میدانم که اگر این عریضه بنده را در آن جریده شریفه چاپ فرمائید عده‌ای مظنون می شوند و در درجه اول نماینده روزنامه شما را می چسبند و ممکن است گزارش هائی هم توسط این اشخاص داده بشود ولی بوسیله روزنامه کوهستان این استدعا را از فرمانده لشکر داریم که مخفیانه یکی دو نفر بفرستید و از گوشه و کنار تحقیق کنند تا تمام حقه‌بازها کشف شود.

ما در مرز عراق قرار گرفته‌ایم وقتی که صدای ما بلند شود و ما را بشناسند این قدر فشار می آورند که به خاک عراق فرار کنیم. آن وقت می گویند منطقه عشایری و سرحدی است و نمی توان با مردم راه رفت اینها بدجنس هستند، دزدی می کنند اسلحه دارند و امنیت عمومی را از میان می برند هیچکس نمی گوید آخر به درد این بیچاره‌ها برسیم ببینیم چه مرضی دارند که خاک آبا و اجدادی خود را ترک می کنند و به عراق فرار می کنند.

آقای دکتر اردلان شما خیلی به ما کرده‌ها خدمت کرده‌اید امیدوارم نسبت به ما ساکنین بخش مریوان هم مساعدت بفرمائید و عرایضمان را چاپ کنید شاید از پرتو مساعدت جنابعالی توجه فرمانده لشکر و اولیای محترم دولت به بیچارگیهای ما هم جلب بشود و از شر این همه بیدادگری راحت شویم.



گمنام مریوانی

کوهستان: توجه فرمانده محترم لشکر کردستان به نامه  
واردہ فوق جلب میگردد.

نامه ہفتگی کوهستان شماره ۷۳ دوشنبه ۱۸ آذر ماه  
۱۳۲۵ - ۹ دسامبر ۱۹۴۶



محمد رشید مصطفی سلطانی

# کوهستان

قابل توجه ستاد ارتش و فرماندهی  
محترم لشکر کردستان

## نالاه مریوان

### آقای مدیر محترم روزنامه کوهستان

در یکماه و نیم قبل که جناب عالی در ضمن مسافرت خودتان چندروزه به مریوان تشریف فرما شدید عده ای از محترمین مریوانی خدمت جناب عالی رسیدند و بیچارگی های خود را برای جناب عالی بیان کردند خودتان هم در مدت چند روزی که در این قسمت گردش و مطالعه فرمودید یقیناً اطلاعات دیگری هم کسب فرموده و تا حدی به بیچارگی مردم این بخش استحضار حاصل فرمودید.

پس از مراجعت در اولین شماره ای که روزنامه کوهستان مجدداً منتشر شد به ما نوبت دادید که هبه نمایندگی آن جریده شریفه در مریوان افتتاح شده و ما متواتر بیچارگی های خود را بوسیله آن جریده شریفه بسج اولیای محترم دولت برسانیم.

شا خودتان در چند روزی که در مریوان تشریف داشتید ناظر اوضاع ما بودید و بطور حتم خوب متوجه شدید که چه فشارهایی برای ما میآورند و چطور ما نمیتوانیم فریاد خود را آشکارا به گوش اولیای محترم دولت برسانیم.

مسکن است، شرح بیچارگی های خود را برای شما بنویسیم ولی از آن ساعتهایی که یکی از دره های ما در روزنامه کوهستان منعکس شود در به در عقب ما میگردد و اگر گزارش دهنده را پیدا نکنند قطعاً چند نفر بیچاره دیگر که مورد بخش مقامات مخصوص هستند کلامی برایشان درست می کنند و بیچاره ها را بیچاره تر می کنند.

شما خودتان که در قلمه مریوان بودند مگر نمی دانستید که روزی چند ییگاری از مردم بیچاره برای ساختن و برای آوردن تیر و برای هزار کار دیگر هشتاد نفر ییگاری برای که وارد شدید در حدود کار بود و همینکه فهمیدند فرمانده لشکر و شما میآید آقای سرهنگ عظیمی خودش چوبی برداشته مثل کله گوسفند آنها را از قلمه مریوان خارج کرد تا مهاده فرمانده لشکر ببیند و ببرد آنها چه کاری کنند.

آقای دکتر اردلان این ییگاریها را ما میدانیم بر طبق دستور دولت از ما بگیری که ما میدانیم که دولت برای هر کاری پول خرج میکند و راضی نیست مردم را اذیت کنند ولی وقتی آقای سرهنگ عظیمی ییگاری بگیرد و فرمانده لشکر هم نداند لابد پول آن بحساب دولت میآید و منصفی های ییگاری کشی پول ها را میخورند.

مریوان همیشه بیچاره بول خوری بوده برای خوردن بول بوده است که ما باین روز سیاه نشسته ایم دهات ما خالی السکنه است از آزادی ظلم است. نام این منطقه را بدنام کرده اند میگویند منطقه هشابری و سرحدی است و بهین اسم پدر مردم را در میآورند یک هده مخصوصی را از زیر درس می دهند که گردن کافتی کنند و مال مردم را بخورند و معنا با آنها شریک هستند.

آقای دکتر اردلان بنده اینها را برای اطلاع شما نمی نویسم زیرا خود جناب عالی ازین بیشتر از این کارها اطلاع دارید ولی نمیدانم چرا تا بحال سکوت اختیار فرموده اید.

چند روز پیش کامیون گرابه شماره ۷-۲۲ تجارنی را کسور کرده آن عزت نام دارد و به عوت تر که معروف است به زور گرفتند و به آبادی ریزوان بردند در آنجا دوسه خانه بود که خالی السکنه بود آنها را ویران کردند و درب و پنجره های آنرا برای بادگان آوردند خرابی این خانه ها به وسیله رهابای گویره گویره و حسن اوله انجام گرفت.

آقای دکتر اردلان ما اهالی مریوان اینقدر به بیعت هستیم که میدانیم هیچیک از اولیای محترم ارتش و حتی فرمانده لشکر کردستان از این قضایا اطلاع ندارند و الا چگونه مسکن است حاضر شوند خانه رهیتی دهات مردم را خراب کنند و در و پنجره آن را برای بادگان ببرند.

آقای دکتر اردلان شما سرهنگ عظیمی را دیده اید این آدم که وقتی که رئیس بالا مری بالای سرش نیست خود را خداوند مریوان میدانند همینکه فرمانده میآید چنان میدود و بلی قربان میگوید و اظهار دلسوزی دروغی برای مردم میکند که اگر انسان دقت کند میگوید این سرهنگ عظیمی عجب آدم خوبی است و خداوند برای این منطقه پدری از این مهربان تر نیافریده ولی همان دقیقه که فرمانده لشکر می رود سرهنگ عظیمی به جلد اصلی خود در میآید و آن عفرینی میشود که مایه بدبختی همه ماهاست.

فرمانده لشکر وقتی برای سرکشی میآید مخاطب او سرهنگ عظیمی است و او چیزهایی را که خودش صلاح بداند میگوید ما که از گفته های او خبر نداریم را میدانیم که خودش را در نظر فرمانده لشکر خیلی خوب جلوه داده و با آن تعلق های خودش همه چیزهای بدو اعمال خود را پوشانیده است.

آقای دکتر اردلان بنده میدانم

آبونان یکساله داخله - ۲۰ ریال  
تکفرو شی داخله ۴ ریال  
خارج ۲۵۰  
خارج ۵  
جای اداره خیابان فردوسی روبروی بانک ملی تلقن ۲

### مسافرت جناب شیخ محمد حسامی بگرد

جناب آقای شیخ محمد حسامی که از روحانیون برجست و نامتو است میباشند اخیراً مسافرتی بکردستان فرموده مدت شش روز است در آنجا اقامت گزیدند. بهنگام ورود استقبال شایان و بینظیری طرف عموم طبقات بعمل آمده و دو مدت توقف تمام اوقات را همه از کلیه طبقات اهالی از ایشان دیدن نموده و بطرز بسیار مجمل حرکت ایشان را بدرقه نمودند.

جناب شیخ محمد حسامی در موقع حرکت تودیع نامه بنسب با اهالی چاپ و انتشار دادند: خدمت عموم آقایان علمای اعلام و اعیان عظام و اشراف و نجار ذوی الاحترام و برادران درویش و صوفیه و کلیه دوست و دشمنان به برض تودیع تمذیب میدهند. اولاً خود را مسامحتند از مدت ها با زوری شرف ملاقات دوستان صمیمی خاندان حضرت نایل شوم و با بهترین وجه مطلوبه تجدید عهد بعمل آمده قلباً و جوشش های علاقمندانه اهالی کردستان مشغوف و مسیخندارند متعال اجرو جزای این زحمات و احساسات را خواستار میباشند که این جوش و خروش و این محبت و صمیمیت درین ما و وجه ناپایان زمان پایدار و روزافزون باشد.

ناتناً بر اثر لطف و عطوفت اولیای دولت توفیق است ابرای محترم که در کرمانشاه و کردستان نسبت باین بی نام و نشان میل مایل بودم چه در کرمانشاه و چه در کردستان مدت مدیدی که سیراب کند توقف نمایم و بهین مناسبت جواز مسافرت هم از بیبه عراق بدست یکنه صادر اما کثرت جمعیت و شدت ازدحام و ام جامعه که فضای کردستان را متوج ساخته تولید زحمت برای و معین این خاندان فراهم آمده توانستم خود را بیش از این بز دوستان و مریدان راضی و قانع نمایم لذا بوسیله این نشریه از میطلبم فردا که روز چهارشنبه سیزدهم آذر جاری است از خدمت میشوم اگر بظاهر مفارقت صورتی بعمل میآید اما وحدت معن خود باقی، قلب و برادر محبوب من آقای شیخ منتم حسامی درین امیدوارم که عموم اهالی کردستان ایشان را مظهر توجهات پیرای بیش از پیش احساسات صمیمانه خود را نسبت به ایشان مبدول فرمایند و من بدانند زیرا: «ما یکی رویم اندر دو بدن» و از خدا و را بر اتباع شریعت غرا و تاسی به آداب مرشدین طریقت بیخ میدارم والسلام علی من التبع الحق والهدی - محمد بهاء الدین

### پیام ستاد

بقیه از صفحه ۱  
دستهای ماهنوز  
کشیدن شما با نهایت  
با توجه باعلامه ایکی  
ارتش صادر گردیده  
را بنسناد ارتش با نزد  
معرفی نماید تا حسن  
و بهین برستی شما تا  
در تجدید عظمت ایران  
روح وجدان و درک  
نائل آید والا چنان  
بعد از آن دستگیر  
مصلحانه بر علیه است  
گیری مسلح محصور  
نگذشته از فرصت

### بخش

از مشترک  
می نمایم در  
روزنامه لحظه  
اگر بخاطرشان  
را نشر ستاده اند  
دارند زیر ادا  
منوط به وصول  
میباشد.

کوهستان  
لشکر کردستان به نامه وارده فوق جلب  
میگردد.

بعد از یک ماه در تاریخ ۱۶ دی ماه ۱۳۲۵ رئیس ستاد ارتش " رزم آراء " به این نامه اعتراض میکند و مندرجات آن را بی اساس می داند و از روزنامه کوهستان می خواهد که آن را تکذیب کنند. جناب دکتر اردلان بر اساس موازین دمکراسی و پرنسیب های روزنامه نگاری آنها را چاپ می کند.

از ستاد ارتش می نویسند: اداره روزنامه کوهستان در شماره ۷۳ مورخه ۱۳۲۵/۹/۱۸ آن جریده شرحی تحت عنوان قابل توجه ستاد ارتش و فرماندهی محترم لشکر " ناله مریوان " درج و نوشته شده بود که سرهنگ عظیمی همه روزه برای ساختمان سربازخانه عده بیگاری از اهالی می گیرد طبق تلگراف عده ای از آقایان مریوان که همه معروفیت محلی دارند مندرجات مذکور بر خلاف حقیقت و بی اساس است خواهشمند است دستور فرمائید مراتب را در آن جراید تکذیب نمایند.

رئیس ستاد ارتش - سرلشکر رزم آراء

کوهستان: خوشوقتیم از اینکه از مردم مریوان بیگاری گرفته نمی شود. امیدواریم با توجه دقیق به این منطقه در سال آینده مریوان رو به آبادی برود و اهالی این منطقه مهم سرحدی سعادت مند گردند.

نامه هفتگی کوهستان شماره ۷۷ دوشنبه ۱۶ دی ماه  
۱۳۲۵ - ۶ ژانویه ۱۹۴۷

این افراد نظامی که در مقامهای کلیدی و حساس حکومتی قرار گرفته‌اند، با سیستم شاهنشاهی همسو بوده و سیاست‌های دیکتاتوری شاهنشاهی را پیاده کرده و بطور طبیعی بعنوان ابزار کارای حکومتی از سیاستهای رژیم شاهنشاهی پشتیبانی می‌کردند. رئیس ستاد ارتش و فرماندهان لشکرهای مختلف، پیاده‌کننده سیاستهای رژیم شاهنشاهی بوده‌اند.

درست دو هفته بعد از تلگراف سرلشکر رزم آراء، رئیس ستاد لشکر ۴ تلگرافی دیگر به روزنامه‌ی کوهستان ارسال میدارد که نامه‌ی " ناله مریوان " را تکذیب کنند.

لشکر کردستان تکذیب می‌نماید

آقای دکتر اسمعیل اردلان مدیر روزنامه کوهستان

اهالی مریوان طی تلگراف مورخه ۲۵/۱۰/۵ شرح مندرجه در روزنامه شماره ۷۳ کوهستان را تحت عنوان " ناله مریوان " تکذیب نمود و مندرجات مزبور را خلاف واقع اعلام نموده‌اند متمنی است مراتب را در آن روزنامه تکذیب فرمائید.

رئیس ستاد لشکر ۴ - سرهنگ ستاد فرامرزی



کوهستان: اگرچه در شماره گذشته از طرف ستاد ارتش تکذیب شده بود و نامه وارده ستاد عینا چاپ گردیده بود و چاپ نامه وارده ستاد لشکر کردستان که موید نامه ستاد ارتش است زاید به نظر میرسد. ولی برای اینکه سوء تعبیری نشود عین نامه رسیده در بالا چاپ شد.

ضمناً علاوه می نماید که گزارش نمایندگی کوهستان در مریوان حاکی از این است که عملیات افسران و افراد گردان منتقل شده به مریوان رضایت بخش می باشد ولی نامی از فرمانده پادگان در گزارش واصله ذکر نشده است.

ما همانطور که به کرات ثابت نموده ایم نظری جز تامین آسایش عمومی نداریم و اگر مقامات وارده مردم را که حاکی از شکایت و نارضایتی هائی باشد چاپ می کنیم فقط به منظور متوجه نمودن اولیای مسئول به اظهارات مردم می باشند.

نامه هفتگی کوهستان شماره ۷۹ دوشنبه ۳۰ دی ماه ۱۳۲۵  
- ۲۰ ژانویه ۱۹۴۷

در این راستا مقامات حکومتی و فرماندهان ارتش که ماهیت و نقش افشاگرانه‌ی نامه‌ی "گمنام مریوانی" را، بی اساس تلقی نموده و روزنامه‌ی کوهستان و مدیر مسئولش دکتر اردلان را زیر منگنه و فشار گذاشته‌اند، جایگاه آنها در مکان های کلیدی و رهبری در ارتش و

حاکمیت ضد مردمی بوده و بلا استثنا بر ضد رنجبران حکم داده و از سیستم شاهنشاهی دفاع می کرده‌اند. زیرا در مجموع این فرماندهان نظامی، ابزارهای کارای حاکمیت سیاه بوده‌اند.

فرماندهان لشکری که در تهران، سنندج و قلعه‌ی مریوان حکم میکرده‌اند مجموعه‌ای از یک سیستم پیچیده دیکتاتور بوده‌اند و بلاشک از مقام و شغل و سیستم شاهنشاهی دفاع می کرده‌اند.

روزنامه‌ی کوهستان گزارش نمایندگی مریوان را نیز در همان شماره چاپ می کند.

گزارش نمایندگی مریوان

از بیستم مهر ماه که گردان جدید به مریوان منتقل شده در عمران و آبادی از طرف افسران و افراد جدیت مخصوصی بعمل آمده و صمیمانه رفتار می نمایند.

افسران گردان منتقل شده به مریوان باشگاهی ساخته که هزینه آن را بین خود تقسیم نمودند یک رادیو باطری دار هم که برای باشگاه خریداری نموده‌اند در این محل دور افتاده مورد استفاده عمومی می باشد.

قرار است رئیس دارائی برای تحویل گرفتن سهمیه چای و شکر به سنندج مسافرت نماید.

نماینده‌گی مریوان - ۱۳۲۵/۱۰/۱۱

نامه‌ی هفتگی کوهستان شماره ۷۹ دوشنبه ۳۰ دی ماه  
۱۳۲۵ - ۲۰ ژانویه ۱۹۴۷

در همان شماره ( ۷۹ ) مقاله‌ای بنام " آبروی امضای خود  
را نبرید " ، که باید مدیر و مسئول روزنامه " دکتر اردلان "  
آنها نوشته و چاپ کرده است؟ دقیقا به این مطلب اشاره  
می کند که اغلب مردم بدون توجه مطالبی را امضا  
می کنند که برخلاف عقیده خودشان است.

در این راستا یک نمونه از شخصی که تلگراف نموده  
و پیداست شخص با وجدانی بوده و ظلم و ستم حاکمان  
ارتشی را در مریوان لمس و با چشمان خود دیده، صریحا  
اعتراف کرده که به خواهش چند نفر و در شرم حضور قرار  
گرفته و فلان تلگراف را امضا کرده و ارسال نموده است،  
استدعا کرده که روزنامه کوهستان آنها چاپ نکند و ترتیب  
اثر ندهد زیرا خلاف واقع است.

یا اینکه مردم را مجبور به امضای آن می کنند، او به  
این موضوع اشاره می کند کسانی که در مقابل چنین  
امضاهای پولی دریافت میدارند و عقیده و حیثیت خود را  
فروخته‌اند دیگر چیزی برایشان باقی نمانده است که از  
آن مراقبت کنند.

## آبروی امضای خود را نبرید

از همان هنگامی که اولین شماره روزنامه کوهستان منتشر شد در تلگرافاتی که از نواحی مختلفه می رسید ما باین موضوع پی بردیم که اغلب مردم بدون توجه مطالبی را امضاء مینمایند که برخلاف عقیده خودشان است خوب بخاطر داریم در یک موضوع تلگرافی امضاء شده بود که برخلاف واقع از شخصی تعریف کرده بودند و یکی از امضاکنندگان ضمن مراسله‌ای به ما نوشته بود که امضائی که در ذیل فلان تلگراف کرده‌ام به خواهش چند نفر بوده خواهش دارم به آن ترتیب اثر ندهید زیرا برخلاف واقع است.

یک نمونه دیگر عبارت از تلگراف هائی است که می آورند و مردم را مجبور به امضای آن میکنند. البته وقتی چنین تلگرافی برسد برعایت احترام امضاءکنندگان، چاپ میکنیم ولی چون خواننده که مطلع بر اوضاع باشد آن تلگراف را بخواند فوراً متوجه می شود که اجباری است.

نظیر این تلگرافها را هم زیاد چاپ کرده‌ایم. ضمن این مدت بارها این موضوع را یادآوری نمودیم که بی جهت از کسی تعریف نکنید و آبروی خط و امضای خود را نبرید هرچه را بر آن عقیده دارید امضاء کنید.



ولی این روزها که بازار تلگراف رواج دارد و عده‌ای از هر جا بی خبر گمان می کنند همین که تلگرافی بامضای چند نفر رسید فوراً چون آیه آسمانی مورد قبول واقع خواهد افتاد.

لازم می دانیم مجدداً یادآوری کنیم که دقت نمائید آلت دست دیگران نشوید و مطالبی را که برخلاف واقع و برخلاف عقیده شماست به خواهش یا به اجبار امضاء نکنید.

البته آن کسی که در مقابل چنین امضاها پولی دریافت می دارد از این یادآوری برکنار است. زیرا عقیده و حیثیت خود را فروخته و چیزی برایش باقی نمانده که برای نگاهداری آن مراقبتی لازم داشته باشد ولی کسانی که دارای حیثیت هستند باید در نگاهداری حیثیت و آبروی خود قدری دقت نمایند.

نامه هفتگی کوهستان شماره ۷۹ دوشنبه ۳۰ دی ماه ۱۳۲۵  
- ۲۰ ژانویه ۱۹۴۷

روزنامه کوهستان شماره ۷۷ خبر از احداث دبستان چهار کلاسه توسط آقای محمد شریف مصطفی سلطانی برادر بزرگ آقای محمد رشید مصطفی سلطانی می دهد. مدیر دبستان طی نامه‌ای به روزنامه کوهستان شرح احداث این دبستان را گزارش میدهد.

پیداست که خانواده مصطفی سلطانی اهمیت خاصی به فرهنگ و آموزش این مناطق داده و کارهای ارزشمندی در این زمینه انجام داده‌اند.

دبستان نو بنیاد "آمانه"

آقای محمد علی عظیمی وزیری مدیر دبستان نو بنیاد "آمانه" شرح مفصلی نوشته جریان گشایش این دبستان را که در قریه "آمانه" یکی از قراء اورامان، امسال افتتاح یافته شرح داده‌اند.

در این نامه می نویسد: که در تاریخ ۱۳۲۵/۸/۱۵ آقای "محمد شریف بیگ مصطفی سلطانی"، "آمانه" از ادارات فرهنگ و فرمانداری کردستان تقاضا نمودند که دبستانی در "آمانه" افتتاح یابد تا اهالی قسمتی از اورامان بتوانند فرزندان خود را بزیور فرهنگ بیارآیند.

این پیشنهاد از طرف اداره فرهنگ صمیمانه استقبال شد و اکنون دبستان مزبور در "آمانه" دایر و دارای چهار کلاس و چهل نفر شاگرد می باشد.

آقای محمد شریف بیگ که علاقه مفردی به تربیت و تحصیل اهالی دارند علاوه بر اینکه مردم را جدا تشویق می نمایند که فرزندان خود را برای تحصیل به دبستان بفرستند، وسائل کافی در اختیار دبستان گذارده و کمک

های خیرخواهانه ایشان باعث پیشرفت امور فرهنگی شده است.

آقای محمد شریف بیگ علاوه بر پرداخت کرایه محل دبستان و تهیه سوخت زمستان کلاس ها میز و صندلی و بخاری هم برای دبستان تهیه کرده و حقوق ماهیانه یک نفر مستخدم را هم که در دبستان خدمت می کند می پردازند.

چون کمک های ایشان در پیشرفت فرهنگ این سامان بسیار موثر بوده لازم است بدین وسیله از اقدامات ایشان قدردانی گردد.

امیدوارم سایر نقاط مجاور نیز بایشان تاسی نموده از کمک به توسعه فرهنگ دریغ ندارند.

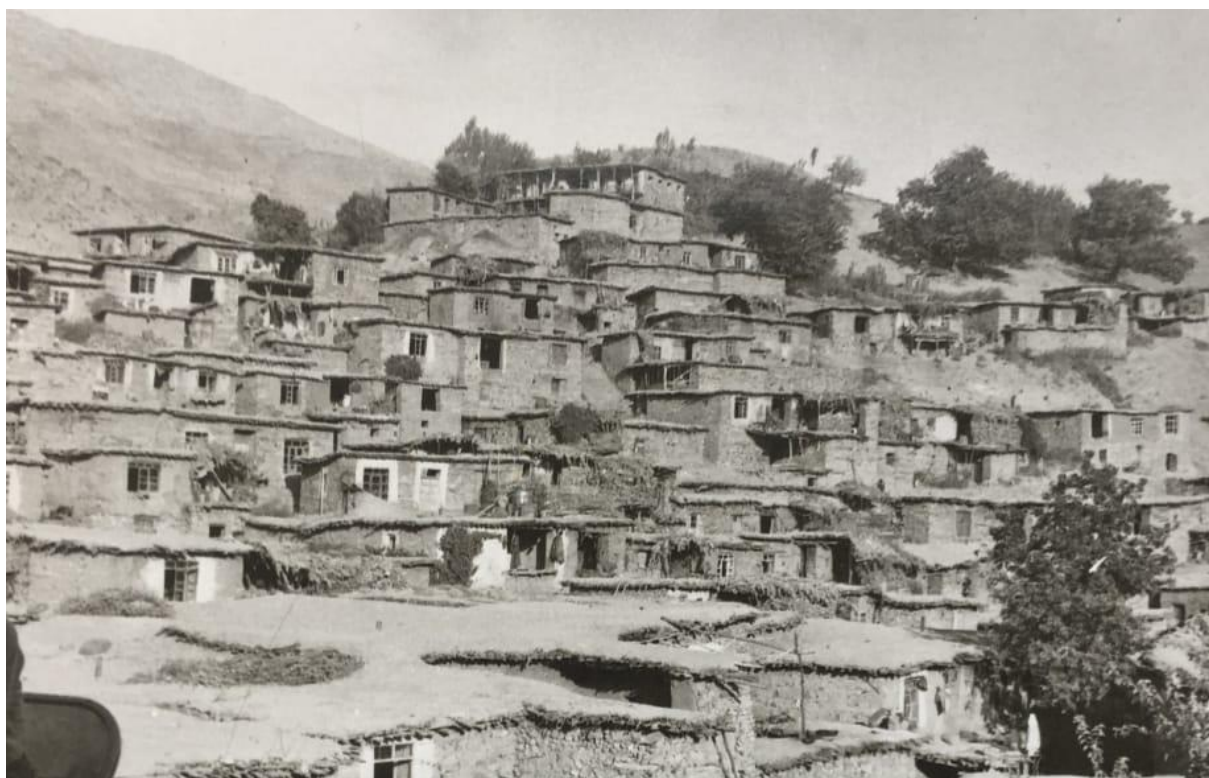
نامه هفتگی کوهستان شماره ۷۷ دوشنبه ۱۶ دی ماه  
۱۳۲۵ - ۶ ژانویه ۱۹۴۷

## دبستان نو بنیاد آلمان

آقای محمد علی عظیمی وزیر  
مدیر دبستان نو بنیاد آلمان شرح مفصلی  
نوشته جریان گشایش این دبستان را که  
در قریه آلمان، یکی از قراه اورامان،  
امسال افتتاح یافته شرح داده اند.  
در این نامه می نویسند که در تاریخ  
۲۵/۸/۱۵ آقای محمد شریف بیک  
مصطفی سلطانی آلمان از ادارات فرهنگ  
و فرمانداری کردستان تقاضا نمودند  
که دبستانی در آلمان افتتاح یابد تا  
اهالی قسمتی از اورامان بتوانند فرزندان  
خود را بزرگوار فرهنگ بیارایند این پیشنهاد  
از طرف اداره فرهنگ صمیمانه استقبال  
شد و اکنون دبستان مزبور در آلمان  
دایر و دارای چهار کلاس و چهل نفر  
شاگرد میباشد.

آقای محمد شریف بیک که علاقه  
مفرطی به تربیت و تحصیل اهالی دارند  
علاوه بر اینکه مردم را جدا تشویق می  
نمایند که فرزندان خود را برای تحصیل  
به دبستان بفرستند و سائل کافی در اختیار  
دبستان گذارده و کمک های خیرخواهانه  
ایشان باعث پیشرفت امور فرهنگی شده است  
آقای محمد شریف بیک علاوه بر  
پرداخت کرایه محل دبستان و تهیه سوخت  
زبستان کلاسها مهر و صندوق و بخاری  
هم برای دبستان تهیه کرده و حقوق  
ماهانه یک نفر مستخدم را هم که در  
دبستان خدمت میکنند می پردازند.  
چون کمک های ایشان در پیشرفت  
فرهنگ این سامان بسیار موثر بوده  
لازم است بدین وسیله از اقدامات ایشان  
قدر دالی گردد.

امیدواریم سایر نقاط مجاور نیز  
بایشان تاسی نموده از کمک به توسعه  
فرهنگ دریغ ندارند



دهکده زیبای "آلمانه" در نزدیکی شهر مریوان

منبع:

- روزنامه کوهستان شماره ۷۳ ، ۷۷ ، ۷۹ سال ۱۳۲۵ - ۱۹۴۶

تشکر و سپاسگزار:

از دوستان مریوانی ام که صادقانه و صمیمانه مرا یاری کردند.

فاروق فرهاد ۲۰۲۱/۳/۱۸

